

هو الله - ای ثابتان بر میثاق نیر اعظم اشراق چون از...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۳۶

هو الله

ای ثابتان بر میثاق نیر اعظم اشراق چون از افق عراق طلوع فرمود و پرتوی نورانی از منبع رحمانی بر آفاق نثار کرد جمهور خفّاشان با دبدبه و کبکبه شان از جمیع جهات هجوم نمودند که شاید آن نور مبین را از انظار مقربین ستر نمایند و خود در ظلمات ده‌ما پرواز نمایند و در لیلۀ لیلا جولانی در میدان دهند. چون عاجز از مقاومت به حجت بودند تدبیر در مسافرت جمال قدم کردند و صد هزار تزویر به کار بردند که شاید کوکب اشراق از افق عراق غروب نماید و پرتو تقدیس از اوج احدیت باز مانده.

این بود که جمال قدم را از اقلیم شرق به کشور غرب بردند ولی این هجرت و غیبت سبب اعلاء کلمة الله و علّت نشر نفحات الله گشت عقاب امر الله در اوج عظمت پرواز نمود و آفتاب کلمة الله در مشرق قوت و قدرت اشراق کرد. این توهین سبب تأیید شد و این تغریب سبب تقریب گردید بنیة امر الله قوت یافت و صیت امر الله شهرت گرفت. آوازه این امر در ایران شیوع داشت این غربت سبب شد که جهان گیر گشت و در جمیع جهان اشتهار یافت. این قضیه هر چند سبب عبرت بود ولی نادانان را علّت غفلت گشت. چندی نگذشت که دوباره رایت عناد برافراشتند و تخم کینه در سینه کاشتند و عوانانی را بر تعرض گماشتند وسیله‌ای بدست آوردند و واسطه‌ای پیدا نمودند و آن میرزا یحیای معهود بود. حضرت سفیر این شخص بی تمیز را وسیله کبیره نمود و بر فساد دلالت کرد. این شخص چنان گمان نمود که اگر



ORIGINAL



AUDIO

مصباح ملاً اعلیٰ از زجاجة غرب انتقال نماید امر جدید و فیض جلیل اضمحلال جوید لهذا با سفیر
همداستان شد و هزار فساد و فتنه در نهان و عیان احداث کرد گان مینمود که این ضرر بر هیکل مکرم وارد
گردد و این فساد سبب اذیت جمال قدم شود ولی او محفوظ و مصون ماند. هیات هیات آتش فتنه چون
شعله ور شد آن شخص نادان را پیش از جمال رحمن حرکت دادند الی الآن در بئر خذلان و خسران
در آه و فغان است.

ولی آن مهر تابان چون از افق زندان طلوع فرمود پرتو تقدیس بر ارض مقدس زد نارالله الموقده شعله شدید
برافراخت و حرارت محبت الله در قلب امکان برافروخت حقیقت جامعه کلمه الله از حسیض به اوج اعلیٰ
رسید و سریریدون ان یطفئوا نورالله بافواههم و یأبی الله الا ان یتم نوره و لو کره الکافرون آشکار گشت. فنعم
ما قال الشاعر: عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد. ملاحظه فرما که حکمت الهیه چقدر عظیم است در
سه هزار سال پیش به لسان انبیا بشاراتی به ارض مقدس داد که ای ارض مقدس مرده باد موطأ قدم
رحمن خواهی شد و خیمه حضرت یزدان بلند خواهد گشت نفحات قدس مرور نماید و نیر تقدیس پرتو
افکند.

ای ارض مقدس شاد باش و شاد باش آن مه تابان در آسمان لائح گردد و آن خورشید درخشان از
خاورت بدرخشد. حضرت مقصود به حکمت بالغه خواست که وعده های دو هزار و سه هزار سال انبیا
را وفا فرماید اعدای خویش را برانگیخت و به قوت نافذه در آویخت و آنها را واسطه نمود تا به دست
خویش ریش و ریشه خود از بن و بنگاه براندازند و همچو سراج منیری را از زجاج وطن خود اخراج نمایند
تا ارض مقدس منور گردد و وعد انبیا تحقق یابد وادی ایمن انجمن یاران الهی شود و بقعه مبارکه مرکز
معارف روحانی گردد نور احدیت طلوع کند و ظلمت جهل زایل شود. هذا من حکمة ربکم البالغة و
نعمة مولیکم السابغة و رحمة محبوبکم السابقة. ع ع

